



۵۴



گزارشی از فعالیت علاقه‌مندان به یک ورزش جهانی
 در زمین بدون امکانات بولوار فرودگاه

پتانک، ورزشی که در مشهد غریبه است

عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

۱۴ نوجوان محله امام رضا^(ع) هر ماه
 برای نیازمندان غذای گرم می‌پزند
قراری برای مهربانی

۶



دوربرگردان امام خمینی^(ع) ۶۸
 به معضلی برای ساکنان تبدیل شده است
گره ترافیکی که هر روز محکم‌تر می‌شود

۳

بانوان محله سرشور برای تشییع رهبر شهید انقلاب
 ۳۰۰ پرچم دوختند
وقتی همه پای کار دل بودند

۷

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۱۰۴۵۹۵۱ در پیام رسان ایتا بفرستید.



● ○ خاطرات خوش در دارالقرآن حضرت ابوالفضل^(ع)

دارالقرآن حضرت ابوالفضل^(ع) واقع در خیابان فدائیان اسلام ۱۶ محله هفده شهریور، این روزها میزبان کلاس های حفظ جزء ۳۰ قرآن برای دانش آموزان کلاس اولی است. در کنار آن ها، تعدادی از دانش آموزان کلاس دوم و سوم نیز در این دوره ها شرکت کرده اند و همراه هم آیات قرآن را حفظ می کنند. در این کلاس ها، آموزش فقط به حفظ آیات محدود نمی شود. مربی دوره با استفاده از بازی، قصه، شعر و فعالیت های شاد، تلاش می کند فضای کلاس را برای کودکان جذاب تر کند تا حفظ آیات برایشان شیرین و ماندگار باشد. همین شیوه آموزشی باعث شده است بچه ها با علاقه بیشتری در کلاس ها شرکت کنند و قرآن را با خاطره ای خوش یاد بگیرند.



● ○ دهه نودی ها پای کار اجتماع شبانه

سمیرا منشادی دهه نودی ها در آماده سازی و بسته بندی پذیرایی برای برگزاری اجتماع شبانه که در بولوار جمهوری برگزار می شود، مشارکت کردند. هشت نوجوان محلات پروین اعتصامی، کوی پلیس و مقدم در کنار دیگر خادمان، تهیه و توزیع هزار عدد ساندویچ را بر عهده داشتند. این نوجوانان هر شب برای پذیرایی از حاضران در اجتماعات شبانه بولوار فرودگاه ۳ تا ۴ ساعت فعالیت دارند. جبهه مردمی فدائیان اسلام هزینه تهیه غذاها را بر عهده دارد.

● ○ نذر آش برای نیازمندان

هم زمان با پویش «نذر آش به یادقائد شهید امام سید علی خامنه ای» در محله المهدی^(عج)، هیئت فرهنگی مذهبی خادم الرضا^(ع) با طبخ و توزیع این غذا، از ۱۱ خانواده نیازمند در حاشیه شهر پذیرایی کرد. آش پخته شده در بسته بندی مناسب میان مددجویان خیریه حضرت علی اکبر^(ع) توزیع شد. این برنامه با مشارکت اعضای هیئت و جمعی از خیران برگزار شد و با هدف ترویج فرهنگ همدلی، نذر و خدمت رسانی به خانواده های کم برخوردار، یاد و نام رهبر شهید را گرامی داشت.



● ○ عیادت از یادگار روزهای حماسه

حجت الاسلام والمسلمین محسن اصلانی، مسئول پهنه شهید اصلانی، همراه فرمانده حوزه های ۱ و ۴ شهید اصلانی و جمعی از بسیجیان این دو حوزه، با حضور در منزل پاسدار جانباز محمد پورغلام، از این جانباز سرافراز محله خلیج عیادت کردند. این دیدار با هدف تکریم مقام جانبازان و زنده نگه داشتن فرهنگ ایثار و مقاومت برگزار شد. این جانباز در شهریور سال ۱۳۶۴ در آبادان با اصابت ترکش به چشم مجروح شد. او طی سال های جنگ چندین بار شیمیایی شده است.



پیاده روی در راستای خون خواهی باتلاش جبهه مردمی فدائیان اسلام انجام شد

فرامرزی شهروندانی که هر شب در چهارراه مقدم تجمع برگزار می کنند، جمعه شب گذشته از مسجد صاحب الزمان^(عج) در خیابان عرفانی به سمت شهرداری منطقه ۷ پیاده روی کردند. آن ها در مسیر پیاده روی، شعارهای مختلفی در راستای خون خواهی رهبر شهید سردادند. «حرف مایک کلام؛ انتقام انتقام» مهم ترین شعاری بود که راهپیمایان سردادند. خواندن نماز استغاثه در چهارراه مقدم از بخش های دیگر این تجمع بود که با آرزوی پیروزی رزمندگان کشورمان مقابل متجاوزان برگزار شد.



آمادگی برای میهمان داری

جلسه شورای سلامت منطقه ۷ با محوریت هماهنگی برای روزهای دهه آخر صفر و حضور میهمانان و همچنین بررسی مراقبت های بهداشتی آب و مواد غذایی در تکیا و حسینیه ها، در شهرداری منطقه ۷ برگزار شد. رعایت اصول بهداشتی و هماهنگی دستگاه های مرتبط برای برگزاری هرچه بهتر مراسم از مباحث مهم این نشست بود.

بیعت دوباره با ولایت

هم زمان با دهه نخست ماه صفر، تجمع اقتدار و مراسم عزاداری در مسجد و مجتمع فرهنگی حضرت ابوالفضل^(ع) برگزار شد. شرکت کنندگان در این مراسم با سویمین رهبر معظم انقلاب اسلامی تجدید بیعت کردند. این برنامه هر شب با مداحی، عزاداری و حضور پرشور اهالی محله در خیابان فدائیان اسلام ۱۶ برگزار می شود.

مشهد مهربان برای کودکان

نشست کارشناسان و رابطان فرهنگی و اجتماعی محلات سیزده گانه شهرداری مشهد با محوریت طرح «مشهد مهربان» برای شناسایی و حمایت از کودکان با مانده از تحصیل برگزار شد. این طرح با همکاری شوراهای اجتماعی محلات، خیران و نهادهای مردمی اجرا می شود.





دوربرگردان امام خمینی^(۶۸) به معضلی برای ساکنان تبدیل شده است

گره ترافیکی که هر روز محکم تر می شود

نجمه موسوی زاده | اگر حوالی ظهر سری به خیابان امام خمینی^(۶۷) و محدوده دوربرگردان امام خمینی^(۶۸) بزنید، با صحنه ای تکراری روبه روی می شوید: خودروها برای دورزدن در چند ردیف کنار هم صف کشیده اند و مسیر خودروهای عبوری را بسته اند؛ اتفاقی که باعث شنیدن صدای بوق ممتد ماشین های می شود. کافی است در همین زمان، اتوبوسی هم در ایستگاه چند قدمی این دوربرگردان توقف کند تا ترافیک چند دقیقه ای به یک گره کور تبدیل شود؛ مشکلی که به گفته ساکنان و کسبه محله امام رضا^(۶۹)، سال ها است وجود دارد. امداد ساعت های پرتدد، به ویژه نزدیک ظهر، بیشتر خودش را نشان می دهد.



هم قدم



گره ترافیکی در ساعات اوج شلوغی

حسین فراز آمد، یکی از ساکنان قدیمی محله، می گوید: دوربرگردان، با هدف روان تر شدن عبور خودروها احداث شد، اما در این نقطه، هم جوار دوربرگردان با ایستگاه اتوبوس و عرض زیاد خیابان باعث شده است رانندگان برای دورزدن در چند ردیف کنار هم قرار بگیرند و راه خودروهای راکه قصد حرکت مستقیم دارند، ببندند. او می گوید: ظهرها این وضعیت واقعا آزار دهنده است، چون فقط رانندگان را گرفتار نمی کند. وقتی خودروها در چند ردیف کنار هم می ایستند، دید راننده ها محدود می شود و عابران پیاده برای عبور از خیابان با خطر روبه روهستند. اگر یک لحظه بی احتیاطی شود، احتمال تصادف و آسیب دیدن عابران پیاده وجود دارد.

عبور سخت عابر پیاده

مأده محروقی، هنگام سال تحصیلی، هر روز پسرش را از این خیابان رد می کند تا به مدرسه برود. او از دردسرهای این دوربرگردان می گوید: ظهرها در ساعت اوج ترافیک وقتی دنبال فرزندم می روم، باید حواسم را خیلی جمع کنم تا خودروها به من یا پسرم نزنند. راننده ها می خواهند زود تر راهشان را بگیرند و بروند و به عابر پیاده توجهی ندارند. او می افزاید: گاهی چند دقیقه همین وسط خیابان می ایستیم تا بتوانیم رد شویم. من نگران امنیت همه بچه ها هستم. وقتی خودروها از چند جهت حرکت می کنند و هر راننده دنبال پیدا کردن راهی برای عبور خودش است، کنترل اوضاع سخت می شود و

بچه ها در معرض خطر هستند.

میثم نیرومند، یکی از کسبه این محدوده، نیز معتقد است این وضعیت باعث بی نظمی در عبور خودروها در دو طرف خیابان می شود؛ بسیاری از خودروها از همین مسیر به سمت میدان امام خمینی^(۷۰) می روند و بار زیاد تردد آن ها از همین بولوار امام خمینی^(۷۱) است. به نظرم می توان با نصب چراغ چشمک زن یا حتی چراغ فرماندهی کمی از این ترافیک راکم کرد.

او پیشنهاد دیگری را نیز مطرح می کند: با توجه به عرض معبر، اگر میزان دوربرگردان کمتر شود، خودروها نمی توانند در چند لاین برای دورزدن بایستند و از مشکل سد شدن خیابان جلوگیری می شود.

همکاری برای ایجاد راهکاری ترافیکی

مسئول امور حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۸ توضیح می دهد: با توجه به اینکه بولوار امام خمینی^(۷۲) جزو معابر شریانی درجه یک شهر است، هرگونه تصمیم گیری و اجرای اقدام ترافیکی در این معبر، باید با هماهنگی و تأیید سازمان مدیریت و مهندسی شبکه حمل و نقل شهرداری مشهد انجام شود.

سید سعید موسوی بزاز ادامه می دهد: اعضای شورای اجتماعی محلات می توانند درخواست خود برای بررسی مشکل ترافیکی این دوربرگردان را در قالب نامه به اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۸ ارائه دهند. پس از آن، این اداره موضوع را از طریق مکاتبه با سازمان مدیریت و مهندسی شبکه حمل و نقل شهرداری مشهد پیگیری خواهد کرد تا با حضور کارشناسان و بازدید از محل، راهکار مناسب برای رفع مشکل بررسی و اعلام شود.

دغدغه شورای اجتماعی محله امام رضا^(۷۳) برای جوانی جمعیت

جلسه شورای اجتماعی محله امام رضا^(۷۴) با حضور اعضای شورا، رابط بهداشت و نماینده کلانتری در مسجد ایزدی برگزار شد. در این جلسه، موضوع فعالیت کارگروه جوانی جمعیت و برنامه ریزی برای تشویق اهالی به فرزندآوری مورد بررسی قرار گرفت و همچنین بر اعزام مبلغان به اجتماعات شبانه برای ترویج این موضوع تأکید شد.



شهر خبر



تجربه بازی های خلاقانه در «پاتوق مادر و کودک»

پاتوق مادر و کودک با عنوان «فرصت تجربه، ویژه مادران دارای کودکان پنج تا هفت سال در فرهنگ سرای کودک و آینده برگزار شد. در این برنامه رایگان، کودکان در کنار مادرانشان با انجام بازی های خلاقانه و تجربه های متفاوت، فرصت تقویت مهارت ها و خلاقیت خود را پیدا کردند.

زیباسازی پارک بانوان کوهسنگی

هفته گذشته مجموعه ای از اقدامات عمرانی و خدماتی در پارک بانوان بوستان کوهسنگی انجام شد. عملیات نظافت کامل محوطه، آب نمای پارک، ترمیم نشست معبر و... با هدف ارتقای کیفیت خدمات، افزایش ایمنی و بهبود سیمای محیط انجام شد. بوستان پس از پایان این عملیات، با امکاناتی آماده تر و محیطی آراسته تر، دوباره پذیرای بانوان بود.

فرامرزی | شهردار منطقه ۸ از رفع مشکل روشنایی و انشعاب برق بوستان جهان شهر با پیگیری های فوری خبر داد. حسن صالحی مفرد افزود: برای رفع این مشکل همراه مدیران شرکت برق مشهد از این کلان پروژه بازدید میدانی کردیم. سپس با اتخاذ تصمیمات لازم، مشکل روشنایی و انشعاب برق این پروژه برطرف شد؛ اقدامی مؤثر که گامی مهم در تکمیل زیرساخت های بوستان جهان شهر و آماده سازی این پروژه برای بهره برداری محسوب می شود.

به گفته وی، برای بررسی آخرین وضعیت پیشرفت پروژه، هماهنگی بین بخشی و رفع موانع اجرایی، جلسه کمیته اجرایی بوستان جهان شهر با حضور مدیران و مسئولان دستگاه های اجرایی برگزار شد. صالحی مفرد یادآور شد: هم افزایی درون سازمانی، نقش تعیین کننده ای در بهره برداری هرچه سریع تر از این پروژه شهری دارد. بازدید میدانی از بوستان جهان شهر نیز در همین راستا انجام شد.



با همکاری شرکت برق مشهد و شهرداری منطقه ۸ انجام شد

روشنایی کامل در بوستان جهان شهر

هم تیمی کودکان با سالمندان

عبدالله... فیضی، شصت و هفت ساله، مسن ترین بازیکن جمع است. پیش از اینکه پتانک را شروع کند، سال ها در رشته هایی مثل تنیس روی میز، جودو و کوه نوردی فعالیت داشته و حتی در بعضی از آن ها مقام های رنگارنگی هم به دست آورده است. او که هشت سال پیش از طریق انجمن بیماران خاص با پتانک آشنا شده است، می گوید: پتانک یک ورزش جذاب و خانوادگی است. اینجاست و سال مطرح نیست. از بچه ها گرفته تا سالمندان می توانند کنار هم بازی کنند. این ورزش زمین خاصی هم نمی خواهد. وسط یک پارک، حیاط خانه یا حتی یک زمین خاکی مثل همین جا هم می شود بازی کرد. فضای پتانک هم رقابتی و هم پراز خنده و شوخی است. به نظرم حتی در دوره های خانوادگی و دوستانه می تواند حال و هوای متفاوتی ایجاد کند.

از حرف های فیضی می شود فهمید که پتانک ورزشی ساده، کم هزینه و بدون محدودیت سنی است؛ ورزشی که بیش از هر چیز، تمرکز و آرامش ذهنی را تقویت می کند و برای انجام دانش فقط چند گوی فلزی و یک زمین ساده کافی است.

شناخته شده در جهان

فیضی گوی فلزی را میان دست هایش جا به جا می کند و درباره پیشینه این ورزش توضیح می دهد: اولین بار پتانک در فرانسه کشف شده است. این ورزش در همه دنیا به طور کامل شناخته شده است و مسابقه هایش در سطح جهانی و آسیایی برگزار می شود. اگر بخواهیم آن را با بازی های قدیمی خودمان مقایسه کنیم، می توانیم از دال پلان، تپله بازی، گردو بازی یا بلوط بازی نام ببریم.

حرف هایش نشان می دهد پتانک با وجود قدمت و جایگاهی که در دنیا دارد، هنوز در مشهد آن طور که باید شناخته نشده است؛ موضوعی که تقریباً همه بازیکنان این زمین از آن گلایه دارند.

فیضی یکی از گوی های فلزی را به دستم می دهد و می گوید: یاد گرفتن قوانین این بازی بیشتر از ۱۵ دقیقه زمان نمی برد. بعد توپ کوچک بازی را برمی دارد و ادامه می دهد: این توپ کوچک را توپ هدف می گویند. اول باید آن را به سمت جلو پرتاب کنید. بعد بازیکنان به نوبت، گوی های فلزی شان را پرتاب می کنند؛ طوری که تا جای ممکن به توپ هدف نزدیک شود. البته فقط نزدیک کردن توپ، هدف فرد نیست. گاهی هم می شود بایک ضربه، توپ حریف را از کنار توپ هدف دور کرد.

او همان طور که شیوه پرتاب را نشانم می دهد، توضیح می دهد: در پایان هر دور، هر بازیکنی که گوی هایش از گوی های حریف به توپ هدف نزدیک تر باشد، امتیاز می گیرد. بازی همین طور ادامه پیدا می کند تا یکی از تیم ها به امتیاز ۱۳ برسد.

سادگی قوانین، یکی از دلایل مهمی است که باعث شده است پتانک برای همه گروه های سنی جذاب باشد؛ ورزشی که یاد گرفتنش زمان زیادی نمی خواهد، اما برای حرفه ای شدن در آن، دقت، تمرکز و تجربه حرف اول را می زند.

جمع پتانکی هادر شیراز جمع است

فیضی به زمین بازی برمی گردد. رقابت به لحظات حساسش رسیده و حواسش بیشتر به گوی های فلزی است. او را بار قبیش تنها می گذارم و به سراغ مجتبی اسماعیلی می روم. او مسئول رشته پتانک کارگری و بیماران خاص مشهد است و سال هاست برای معرفی آن تلاش می کند. او در ادامه از ورود پتانک به ایران می گوید: این ورزش سال ۱۳۸۸ توسط سازمان تربیت بدنی به رسمیت شناخته شد و مسئولیت آن به فدراسیون بولینگ و بیلیارد سپرده شد. از همان زمان هم کلمه بولس به نام این فدراسیون اضافه شد.

آقامجتبی از نا شناخته ماندن این رشته در مشهد گلایه دارد. تأسف در لحنش پیدا است. او می گوید: چند گروه در مشهد پتانک بازی می کنند، اما زیر نظر فدراسیون نیستند و بیشتر به صورت تفریحی در بوستان ملت یا جاهای دیگر دور هم جمع می شوند. البته همان بازیکنان را هم ما آموزش داده ایم.

او معتقد است پتانک در بسیاری از شهرهای کشور جای خودش را پیدا کرده. اما هنوز در مشهد آن طور که باید شناخته نشده است. اسماعیلی به شیراز اشاره می کند: شهری که به گفته او حالا به مهد پتانک ایران تبدیل شده است. در بوستان های شیراز زمین های متعددی به این ورزش اختصاص داده اند و همین موضوع باعث شده است ورزشکاران بتوانند حرفه ای تر تمرین کنند و مسابقات منظم تری داشته باشند.

سمیرا منشادی اهوای عصر

تابستانی، با نسیمی که گاهی در میان درختان بولوار فرودگاه می پیچد، گرمای تیرماه را کمی قابل تحمل کرده است. کنار زمین فوتبال با قدرت در بولوار فرودگاه هیا هوی تماشاگران با هر گل و هر موقعیت گل به اوج می رسد. اما چند قدم آن طرف تر، جمعی بی سرو صدا و با تمرکز چشم به گوی های فلزی دوخته اند. خبری از دویدن و هیجان فوتبال نیست. اینجا هر پرتاب با دقت انجام می شود و هر سانی متر فاصله با توپ هدف، سرنوشت بازی را تغییر می دهد. رهگذران، کنجکاوانه چند لحظه ای قدم هایشان را کند می کنند. بعضی می ایستند و بازی را تماشا می کنند. اما کمتر کسی نام ورزش «پتانک» را شنیده است؛ ورزشی که سال هاست در بسیاری از کشورهای دنیا شناخته شده، اما هنوز برای بسیاری از شهروندان محله پروین اعتصامی ناآشناست.

زمین بازی هم چندان شبیه زمین های ورزشی نیست. قطعه ای خاکی که تا همین چندی پیش پراز ته سیگار، شیشه های شکسته و زباله بود و حالا با همت خود ورزشکاران به فضایی برای تمرین و رقابت تبدیل شده است. آن ها هر هفته پیش از شروع بازی، زمین را تمیز می کنند، خطوطش را مشخص و بعد از ساعتی رقابت، دوباره وسایلشان را جمع می کنند؛ بی آنکه زمینی ثابت یا امکانات ویژه ای در اختیار داشته باشند.

برای شناخت بیشتر این رشته، پای صحبت ورزشکاران و مربیان پتانک مشهد نشستیم؛ افرادی که هرکدامشان چندین مدال کشوری و بین المللی دارند. آن ها سال هاست با عشق، این ورزش کمتر شناخته شده را زنده نگه داشته اند.

گزارشی از فعالیت علاقه مندان به یک ورزش جهانی در زمین بدون امکانات بولوار فرودگاه

پتانک، ورزشی که در مشهد غریبه است





امکان اشتغال زایی وجود داشت، اما هیچ حمایتی نشد و کار به تولید انبوه نرسید.

ورزشی برای همه اعضای خانواده

هنوز گفت و گویم با آقامجبتی تمام نشده است که کم کم بازیکنانی که مشغول مسابقه بودند، دورمان جمع می شوند. هرکدام حرفی برای گفتن دارند؛ از علاقه شان به پتانک گرفته تا گلایه هایی که سال هابی پاسخ مانده است. مهدیه کارگران و همسرش، حمید رضا قیاسی، زوجی هستند که خانوادگی این ورزش را انجام می دهند. هر دو از بیماران خاص و عضو تیم ملی پتانک پیوند اعضا هستند. آن ها سال هاست این ورزش را کنار هم دنبال می کنند.

مهدیه کارگران از سال ۱۳۹۶ تاکنون شش مدال رنگارنگ کشوری در این رشته به دست آورده است. پیش از آن، دوومیدانی را تجربه کرده. اما به دلیل وضعیت جسمی، پتانک را برای ادامه فعالیت ورزشی انتخاب کرده است. او در میان دوستانش به کسی شناخته می شود که بیشترین نقش را در جذب بازیکنان جدید دارد؛ متأسفانه برای معرفی این ورزش، تبلیغات چندانی انجام نمی شود. به همین علت هر جا فرصت داشته باشم، خودم آن را معرفی می کنم. وقتی برای درمان به مراکز درمانی می روم، با بیماران صحبت می کنم و از آن ها می خواهم یک بار این بازی را امتحان کنند. او و دوستانش فقط به معرفی شفاهی بازی بسنده نمی کنند. خودشان آموزش می دهند، قوانین بازی را توضیح می دهند و حتی اگر کسی گوی نداشته باشد، وسایلشان را در اختیارش می گذارند تا بتواند بازی را تجربه کند.

مهدیه خانم می گوید: پتانک برای خانواده ها هم ورزش فوق العاده ای است. بانوانی که در پارک ها دور هم جمع می شوند، به راحتی می توانند این بازی را انجام دهند. نه هزینه زیادی دارد و نه تجهیزات خاصی می خواهد. با این حال، هنوز آن طور که باید شناخته نشده است.

او با دست، خطوط زمین را نشان می دهد و می گوید: زمین ما امکانات خاصی هم نمی خواهد، اما گاهی حتی وسایل ساده ای مثل شن کش که برای صاف کردن زمین لازم داریم، دزدیده می شود.

اسماعیلی معتقد است فراهم کردن امکانات این ورزش، نسبت به بسیاری از رشته های دیگر هزینه چندانی ندارد؛ برای ساخت یک زمین پتانک، نه تجهیزات پیچیده لازم است و نه فضای بزرگ. هزینه آن در مقایسه با زمین فوتبال، والیبال یا بسکتبال بسیار کمتر است. اما هنوز کسی این ورزش را جدی نگرفته است.

ایده ای که حمایت نشد

گلایه های آقامجبتی فقط به زمین بازی محدود نمی شود. او برای توسعه این رشته حتی دست به تولید گوی های فلزی استاندارد هم زده است؛ گوی هایی که نمونه اصلی آن ها ساخت فرانسه است و قیمت زیادی دارد. او می گوید: با کمک یکی از دوستانم که در کار ساخت سماور بود، توانستیم گوی هایی تولید کنیم که از نظر کیفیت تفاوتی با نمونه فرانسوی نداشت.

او یکی از آن ها را به دستم می دهد و می گوید: حتی مسئولان فدراسیون هم وقتی آن را در دست می گیرند، متوجه نمی شوند که تولید داخل است.

به گفته او، هر گوی وارداتی حدود ۱۸ میلیون تومان قیمت دارد، اما نمونه تولیدی خودش با هزینه بسیار کمتری ساخته می شود. این ورزشکار پتانک می گوید: پیش از من هم عده ای تلاش کرده بودند چنین گوی هایی بسازند، اما کیفیت لازم را نداشت. ما توانستیم نمونه ای تولید کنیم که قابل رقابت با مدل اصلی است. او لحظه ای سکوت می کند و بعد با حسرت ادامه می دهد: اگر از این طرح حمایت می شد، هم هزینه ورزشکاران کمتر می شد و هم

به گفته آقامجبتی، امروز بیش از بیست استان کشور در این رشته فعالیت می کنند و هر سال مسابقات مختلف کشوری و منطقه ای برگزار می شود. او ادامه می دهد: امروز پتانک در دو بخش کارگری و بیماران خاص به صورت جدی دنبال می شود و ورزشکاران این دو بخش حتی به مسابقات جهانی هم راه پیدا کرده اند و مدال گرفته اند. آقامجبتی می گوید: حدود سیصد ورزشکار در کشور، در بخش زنان و مردان، به صورت حرفه ای این رشته را دنبال می کنند و بیش از هزار نفر هم به شکل خانوادگی و تفریحی پتانک بازی می کنند.

گلایه ای که سال هاست تکرار می شود

صحبت که به امکانات می رسد، سر درد دل باز می شود. آقامجبتی می گوید: بزرگ ترین مشکل ما این است که زمین ثابت نداریم. مدتی در یکی از بوستان ها بازی می کردیم، اما به دلایلی آن زمین را از ما گرفتند. او به زمینی اشاره می کند که حالا در آن ایستاده ایم؛ زمینی خاکی که به گفته خودش، پیش از هر تمرین باید زمانی را صرف تمیز کردنش کنند. او رشته کلام را این طور به دست می گیرد: هر هفته حدود بیست دقیقه وقت می گذاریم تا ته سیگارها، شیشه های شکسته و زباله ها را جمع کنیم و بعد تازه بتوانیم بازی را شروع کنیم. زمین محصور نیست و هر کسی می تواند در روزهای هفته به داخل آن بیاید.

عشق مشترک

حمید رضا قیاسی کنار همسرش ایستاده است. او هم مدال های متعددی در این رشته دارد و هر جمعه همراه همسرش خودش رابه همین زمین خاکی می رساند تا چند ساعتی را کنار دوستانش بگذراند. مهم ترین ویژگی پتانک را خانوادگی بودنش می داند. او می گوید: برای این ورزش فقط چند گوی فلزی و یک فضای ساده لازم است. همین باعث شده است همه بتوانند بازی کنند؛ از کودک گرفته تا سالمند، حتی افرادی که وضعیت جسمی خاص دارند.

حمید آقا ادامه می دهد: پتانک هم می تواند یک تفریح خانوادگی باشد و هم یک ورزش قهرمانی. ما خودمان لیگ برگزار می کنیم و با هزینه شخصی در مسابقات کشوری و حتی بین المللی شرکت می کنیم.

او هم از نداشتن یک زمین ثابت گلایه دارد و در این باره توضیح می دهد: شاید اگر یک زمین مشخص و دائمی داشتیم، افراد بیشتری با این ورزش آشنایی می شدند. خیلی از کسانی که امروز اینجا هستند، فقط به دلیل علاقه شخصی شان می آیند. بعضی بچه ها از گلبهار، چناران و نقاط مختلف مشهد خودشان رابه این زمین می رسانند.

حمید آقا به گروه های دیگری هم اشاره می کند که در مشهد پتانک بازی می کنند. اما ارتباطی با هیئت ندارند و در این باره می افزاید: بارها از آن ها خواستیم کنار هم باشیم تا این ورزش بهتر معرفی شود. اما هر گروه مسیر خودش را رفته است. ما هیچ وقت به پتانک به چشم منبع درآمد نگاه نکرده ایم. فقط دوست داریم این رشته دیده شود و جایگاه واقعی اش را پیدا کند.

یک زمین کوچک، یک مطالبه بزرگ

گفت و گو که به پایان می رسد. نگاه همه دوباره به زمین مسابقه برمی گردد. زمین بزرگی نیست؛ فقط چند متر خاک صاف که با چند خط ساده از هم جدا شده است. همین سادگی، مطالبه اصلی پتانکی های مشهور هم شکل داده است. آن ها چیزی فراتر از یک زمین کوچک نمی خواهند؛ زمینی که هر هفته مجبور نباشند پیش از شروع بازی از ته سیگار، شیشه های شکسته و زباله پاکش کنند.

قیاسی می گوید: از مسئولان فقط یک درخواست داریم: در بوستان های هر محله یک زمین پتانک ایجاد کنند یا کنار زمین های ورزشی موجود، فضای کوچکی رابه این رشته اختصاص دهند. این کار نه هزینه زیادی دارد و نه فضای بزرگی می خواهد. امامی تواند باعث شود افراد بیشتری با این ورزش آشنا شوند.

صحبت هایشان که تمام می شود، دوباره گوی های فلزی در دست های چرخد و بازی از سر گرفته می شود.

داستان شکل گیری پتانک ورزشی برای معلولان

حدود صد سال پیش، در جنوب فرانسه، مردم بازی ای به نام «ژولیونه» انجام می دادند؛ بازی ای که در آن بازیکنان باید چند قدم می دویدند و بعد گوی فلزی را پرتاب می کردند. اما یکی از بازیکنان به دلیل مشکل پا نمی توانست بدود و همین باعث شد دوستانش قوانین بازی را تغییر دهند. آن ها تصمیم گرفتند دیگر ندوند و بازیکنان فقط با پا های ثابت، داخل یک دایره بایستند و گوی را پرتاب کنند. از همین جا نام «پتانک» به وجود آمد؛ واژه ای که به معنای «پا های ثابت» یا «پا های کاشته شده» است. همین تغییر ساده، راه را برای حضور افرادی باز کرد که توانایی انجام ورزش های سنگین را نداشتند. کم کم این شیوه بازی، به یک ورزش مستقل تبدیل شد و خیلی زود از فرانسه به کشورهای دیگر راه پیدا کرد. در ایران هم این رشته زیر نظر فدراسیون بولینگ، بیلارد و بولس و همچنین انجمن بیماران خاص فعالیت می کند.

۱۴ نوجوان محله امام رضا^(ع) هر ماه برای نیازمندان غذای گرم می‌پزند

قراری برای مهربانی



راه تجربه



او می‌گوید: محله امام رضا^(ع) محله برخورداری است. امادر همین محله هم سالمندان، بیماران و خانواده‌های آبرومندی هستند که وضع مالی سختی دارند. ما تلاش می‌کنیم بایک پرس غذای گرم یا اهدای لباس، قدم کوچکی برای کمک به آن‌ها برداریم. به گفته او، شیرین‌ترین لحظه وقتی است که غذا را تحویل می‌دهند و دعای خیر خانواده‌ها بدقه راهشان می‌شود: همین دعاها باعث می‌شود باشوق بیشتری برای برنامه بعدی آماده شویم.

مسئولیت‌پذیری از همین امروز

فرمانده پایگاه بسیج شهید نامجو می‌گوید: برای شناسایی خانواده‌های نیازمند، نوجوان‌ها در همه مراحل، از تحقیق و خرید مواد اولیه تا پخت و توزیع غذا، نقش اصلی را بر عهده گرفته‌اند و در کنار آن‌ها یک آشپز هم حضور دارد.

رضا سجادی می‌افزاید: به دلیل اینکه هنوز آشپزخانه مسجد راه نیفتاده است، گاهی این پخت در خانه یکی از بچه‌ها انجام می‌شود و گاهی هم آشپزخانه‌ای کرایه می‌کنیم.

او بیان اینکه چهارده نوجوان عضو این گروه هستند و از هفده خانواده نیازمند محله حمایت می‌کنند، توضیح می‌دهد: یک مرتبه از ساعت ۶ عصر تا ۵ صبح بچه‌ها برای پخت جو جبه کباب، مرغ پاک کردند، بدون اینکه کسی غر بزند.

فرمانده پایگاه بسیج شهید نامجو با اشاره به اینکه علاوه بر خانواده‌های نیازمند محله، بخشی از غذا در حاشیه شهر توزیع می‌شود، می‌گوید: هدف ما فقط رساندن غذا نیست؛ می‌خواهیم این نوجوان‌ها از همین سن، کمک به دیگران و مسئولیت‌پذیری را در عمل یاد بگیرند تا این روحیه در آینده هم همراهشان بماند. سجادی یادآوری می‌کند: این نوجوان‌ها یاد گرفته‌اند در کارهای دیگر خیرانه مسجد هم مشارکت کنند. آن‌ها با جمع‌آوری کمک‌های اهالی و خیران، برای تهیه لوازم تحریر، لباس و خرید بسته‌های معیشتی مشارکت می‌کنند.



او می‌گوید: در مناسبت‌هایی که مسجد نذری دارد، غذای بیشتری می‌پزیم تا به خانواده‌های نیازمند محله و حاشیه شهر هم برسد. بین کار صدای شوخی و خنده بچه‌ها هم شنیده می‌شود. حسین توضیح می‌دهد: گاهی محمد حسین با خواندن مولودی و مداحی فضا را برایمان متفاوت می‌کند.

اینجا هر کسی مسئولیتی دارد و تا آخر کار کنار بقیه می‌ماند. پس از بسته‌بندی، ظرف‌های غذا داخل وانت، موتور یا خودرو سواری گذاشته می‌شود تا راهی خانه خانواده‌های نیازمند شود.

هر کس سهمی در این مهربانی دارد

علی اکبر اصفهانی، یکی دیگر از نوجوان‌های گروه، می‌گوید عضویت در این جمع باعث شده است نگاهش به خیلی از مسائل اطرافش تغییر کند: قبلاً شاید وقتی از کنار کسی که نیاز به کمک داشت رد می‌شدم، نمی‌دانستم چه کاری می‌توانم انجام دهم، اما اینجا یاد گرفتیم همیشه لازم نیست کار بزرگی انجام بدهیم. گاهی همین که چند نفر کنار هم جمع شوند و هر کدام بخشی از کار را انجام دهند، می‌تواند کمکی به یک نیازمند باشد.

او ادامه می‌دهد: برای من جذاب‌ترین بخش کار این است که خودمان از اول تا آخر در بطن کار هستیم و می‌دانیم غذایی که آماده کرده‌ایم، به دست چه خانواده‌هایی می‌رسد. این باعث می‌شود احساس کنیم فقط یک غذای گرم آماده نکرده‌ایم، بلکه بخشی از وقت و توانمان را برای خوش‌حال کردن آدم‌های دیگر گذاشته‌ایم. همین حس باعث شده است هر بار که قرار پخت غذا داریم، منتظر باشم دوباره دور هم جمع شویم و کاری انجام دهیم که به نظر ارزشش را دارد.

دعایی که انگیزه ادامه راه است

ابوالفضل گنجوی، هجده ساله، بیشتر مسئول توزیع غذاست.

نجمه موسوی زاده بوی پیاز داغ و ادویه فضای آشپزخانه را پر کرده است. بانیم‌نگاهی می‌توان دید که چند نوجوان گوشه‌ای از کار را گرفته‌اند: یکی برنج پاک می‌کند، دیگری سیب زمینی خرد می‌کند، سه چهار نفر هم مرغ‌ها را آماده می‌کنند. شاید تا پیش از دیدن این صحنه کم‌تر کسی باور کند بیشتر کار پخت این غذا بر عهده نوجوان‌های یازده تا هجده ساله است. نوجوان‌های اعضای گروه جهادی شهید امیرعلی حاجی زاده زیرمجموعه پایگاه بسیج شهید نامجوی مسجد حضرت محمد^(ص) هستند و حدود یک سال است دو بار در هر ماه برای خانواده‌های نیازمند غذای گرم می‌پزند. آن‌ها همه کارها از جمله شناسایی خانواده‌ها، خرید مواد اولیه، پخت، بسته‌بندی و توزیع غذا را خودشان بر عهده گرفته‌اند.



وقتی خستگی جایش را به رضایت می‌دهد

محمد حسین زنگنه، نوجوان شانزده ساله گروه، به دلیل علاقه‌اش از سه سال پیش مداح برنامه‌های مسجد هم هست، امروز پخت غذا خبری از میکروفون نیست. آستین‌هایش را بالای‌زند و کنار بقیه مشغول کار می‌شود. او می‌گوید: شاید آشپز حرفه‌ای نباشم، اما هر کاری از دستم بر بیاید، مانند پاک کردن برنج و حبوبات تا خرد کردن پیاز و سیب زمینی را انجام می‌دهم.

چند ساعت کار مداوم در بین بخار دیگ‌های غذا در این روزهای گرم تابستان، خستگی را روی صورت بچه‌ها نشان می‌دهد، اما محمد حسین می‌گوید همین که غذا آماده می‌شود، همه آن خستگی از یادش می‌رود: حس و حال این کار با همه کارهایی که انجام می‌دهیم فرق دارد. وقتی می‌دانم این غذا قرار است سر سفره یک خانواده نیازمند برود، احساس خوبی پیدا می‌کنم.

آشپزخانه‌ای که بارفاقت می‌چرخد

حسین میرزایی هفده ساله است. او حدود یک سال پیش به دعوت یکی از هم‌کلاسی‌هایش عضو این گروه شد. او می‌گوید هنوز آشپزخانه مسجد آماده نیست و برای همین، گاهی در آشپزخانه‌های کرایه‌ای و گاهی در خانه یکی از بچه‌ها غذای می‌پزند.



عیدگاه

بانوان محله سرشور برای تشییع رهبر شهید انقلاب، ۳۰۰ پرچم دوختند

وقتی همه پای کار دل بودند

● سهم کوچک و مهم نازنین زهرا

نازنین زهرا نازی، دختر فاطمه خانم، مهرماه امسال به کلاس هفتم می‌رود. او داوطلب شده است تا الگوی «یا ثارات الحسین» و «یا ثارات الخامنه‌ای» را روی پرچم‌ها بکشد؛ کاری که دقت زیادی می‌خواهد و برای یک نوجوان دوازده ساله چندان ساده نبود. او می‌گوید: با خط‌کش طرح را روی پرچم می‌کشیدم و همه حواسم جمع بود که از الگو بیرون زنم و پرچم خراب نشود. او ادامه می‌دهد: وقتی دیدم بیشتر بچه‌ها دوست دارند رنگ آمیزی کنند و بزرگ‌ترها هم مشغول خیاطی هستند، قبول کردم طراحی شابلون روی پرچم‌ها را انجام بدهم. البته رنگ آمیزی لذت بخش‌تر بود، اما برایم مهم بود من هم کاری برای مراسم تشییع رهبرم انجام داده باشم.

● وقتی درد پا حریف دل نمی‌شود

مریم فاتحی از بانوان ساکن محله است که برای کمک در دوخت پرچم به خانه فاطمه خانم آمده است. او به تازگی زمین خورده و پایش آسیب دیده، اما این موضوع مانعش نشده است تا به این جمع ملحق شود. او می‌گوید: همه ما باید ارادت‌مان را به رهبر شهیدمان نشان می‌دادیم. به نظر من حضور من در این جمع، کمترین کاری بود که می‌توانستم انجام دهم. او می‌افزاید: پایم درد می‌کرد، اما دلم نمی‌خواست به علت این درد کمک نکنم. شاید کاری که انجام می‌دهم کوچک باشد، اما همین‌که بتوانم یک پرچم بدوزم و آن را در دست مردم ببینم، برایم ارزشمند است.

توانم انجام دهم. برای همین یک طاقه پارچه سرخ، به نشانه خون خواهی، خریدم تا برای مراسم تشییع در مشهد پرچم بدوزم. او این موضوع را با چند نفر از همسایه‌هایش هم در میان می‌گذارد: همسایه‌ها وقتی فهمیدند تصمیم به چنین کاری گرفته‌ام، برای کمک آمدند. این طور شد که چهار چرخ خیاطی در اتاق خانه مان قرار گرفت تا بتوانیم پرچم‌ها را زودتر آماده کنیم. همسایه‌ها در پنج روز سیصد پرچم دوختند و روز هجدهم تیر پرچم‌ها را با خود به مراسم تشییع بردند تا میان مردم توزیع کنند. فاطمه خانم می‌گوید: پدرم ارسال‌ها پیش از دست داده‌ام و حضرت آقا برایم حکم پدرم را داشتند. وقتی پرچم‌هایی را که دوخته بودم در دست مردم می‌دیدم، حس خوبی داشتم؛ انگار توانسته بودم برای پدرم کاری انجام بدهم.



نجمه موسوی زاده چند خانم پشت چرخ‌های خیاطی نشسته بودند و پارچه‌های سرخ را زیر سوزن حرکت می‌دادند تا پرچم بدوزند. چند دختر بچه هم کنارشان شابلون‌ها را روی پرچم‌های دوخته شده می‌گذاشتند تا عبارت‌های «یا ثارات الحسین» و «یا ثارات الخامنه‌ای» را با رنگ سفید روی پرچم‌ها حک کنند. هر چند دقیقه یک بار صدای صلوات و شعارهای «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» در اتاق می‌پیچید. چند روزی پیش‌تر به مراسم تشییع رهبر شهید انقلاب در مشهد نمانده بود که فاطمه شیخ، ساکن محله سرشور، تصمیم گرفت برای این مراسم پرچم بدوزد؛ کاری که خودش آن را انجام وظیفه دینی و رسالت اجتماعی می‌داند.

● یک طاقه پارچه برای یک عهد

فاطمه خانم هم حواسش به دخترهای نوجوان است تا شابلون‌ها را درست روی پرچم بگذارند و هم خودش پشت چرخ خیاطی نشسته است تا دوخت پرچم‌ها زودتر پیش برود. او تعریف می‌کند: از روزی که امامان به شهادت رسید تا امروز، همراه همسر و بچه‌هایم به اجتماع مردمی گنبد سبز رفته‌ایم. گاهی هم برای پذیرایی از حاضران در مراسم، به بانوان مسجد امام صادق (ع) در آشپزی کمک کرده‌ام، اما هیچ وقت پیش نیامده بود که خودم به تنهایی کاری انجام بدهم. او ادامه می‌دهد: وقتی تلو یزیون برنامه مراسم و داع و تشییع رهبر شهید را اعلام کرد، مدام به این فکر می‌کردم که کاری در حد

حفظ قرآن بر مسیر تئاتر نوجوان محله سیدی اثر گذاشته است

● پیش از تئاتر چه علاقه‌هایی داشتی؟

سینما و به طور کلی دنیای هنر را دوست داشتم. هر وقت بیکار می‌شوم، برای خودم دیالوگ می‌نویسم و آن‌ها را جلو آینه تمرین می‌کنم. وقتی استخدام این پیشنهاد را داد، آن‌را از برکت و یاری قرآن دانستم و قبول کردم.



امید محله

وقتی کلام خدا زبان هنر می‌شود

● از حس اولین اجرایت بگو.

اجراهای زیادی در مدرسه و اجتماعات شبانه مردمی محله مان داشتم. اما هیچ وقت اولین اجرا را فراموش نمی‌کنم. قرار بود مقابل یکی از استادان حوزه هنری اجرا داشته باشیم. با اینکه خوب تمرین کرده بودم، استرس زیادی داشتم؛ به خصوص وقتی از روی سن جمعیت را دیدم، دست و پایم را گم کردم. همان چند ثانیه‌ای که قرار بود نقشم را اجرا کنم، چند آیه از قرآن خواندم و به امام زمان (عج) توسل کردم.

● در زمان‌هایی که وقت اضافه داری چه کار می‌کنی؟

معانی قرآن را می‌خوانم، روی فن بیانم کار می‌کنم و سعی می‌کنم دیالوگ بنویسم و آن‌ها را تمرین کنم.

● برای ۱۰ سال بعدت چه برنامه‌ای داری؟

هنر و قرآن را دوست دارم و می‌خواهم در هر دو زمینه فعالیت داشته باشم. به امید خدا حفظ قرآن را کامل می‌کنم و در کنار آن، تمرین‌های تئاتر را هم به طور جدی ادامه می‌دهم. دلم می‌خواهد آن قدر شناخته بشوم که برای اجرای کشورهای غیرمسلمان بروم و از این طریق آن‌ها را با اسلام و کلام خدا آشنا کنم. به نظر من هنر می‌تواند تأثیر مستقیمی بر افراد داشته باشد.

اضطراب دارم، شروع به قرآن خواندن می‌کنم و همین، به من آرامش می‌دهد.

● قرآن روی رفتار و تأثیر گذاشته است؟

راستش مادرم می‌گوید از زمانی که حفظ قرآن را شروع کرده‌ام، احترامم به بزرگ‌ترها بیشتر شده و صبر و حوصله‌ام هم افزایش پیدا کرده است.

● چطور از قرآن به تئاتر رسیدی؟

یک بار استاد قرآنم به کلاس نیامد و به جایش استاد دیگری آمد. پس از اینکه روان‌خوانی کار کردیم، آخر کلاس از من خواست بمانم. وقتی بچه‌ها رفتند، گفت تسلطم در بیان و روان صحبت کردن خیلی خوب است و پرسید آیا دوست دارم تئاتر کار کنم. من هم قبول کردم و به تمرین‌هایشان رفتم.



● از چه زمانی حفظ قرآن را شروع کردی؟

کلاس اول دبستان که قرآن خواندن را شروع کردم. مادرم متوجه علاقه‌ام به حفظ شد. به همین دلیل مرا در کلاس‌های روخوانی، روان‌خوانی و تجوید ثبت‌نام کرد.

● اولین سوره‌ای که حفظ کردی، به خاطر داری کدام سوره بود؟

سوره نبأ. ظرف ۸ تا ۱۰ روز آن را کامل حفظ کردم و به آن مسلط شدم.

● این کار چه تأثیری در زندگی‌ات داشته است؟

بالاخره همه ما در طول روز دچار استرس و عصبانیت می‌شویم، اما من به کمک قرآن این دورا به خوبی کنترل می‌کنم. هر زمان که عصبانی می‌شوم یا به خاطر درس و امتحان‌ها





با پیگیری شهرآرامحله مشکل کوچه امام رضا(ع) برطرف شد

عمل به وعده، زودتر از موعد



بازخورد



نجمه موسوی زاده نهم تیرماه امسال در گزارشی به مشکل تردد عابران پیاده در ابتدای کوچه امام رضا(ع) پرداختیم. شیب نامناسب سنگ فرش و اختلاف سطح دریچه‌های شرکت‌های خدماتی در این نقطه، رفت و آمد شهروندان را با مشکل دچار کرده بود؛ به طوری که چند نفر از عابران و راکبان موتورسیکلت، زمین خورده بودند.

در همان گزارش، سبحان ضیائی، رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۸، برای انجام عملیات اصلاح این نقطه از ضرورت اختصاص اعتبار و انجام آن در دو ماه آینده خبر داده بود.

با این حال، پس از پیگیری شهرآرامحله، عملیات روکش آسفالت ابتدای کوچه امام رضا(ع) در کمتر از دو هفته انجام شد تا با اصلاح شیب معبر و هم سطح سازی دریچه‌ها، مشکل تردد عابران پیاده و موتورسواران برطرف شود.

در پی انتقال پیام شهرآرامحله به اداره فضای سبز منطقه ۸ انجام شد

پارک دانش با استانداردهای بهداشتی



بازخورد



نجمه موسوی زاده چند نفر از کسبه و ساکنان خیابان آیت‌الله مصباح یزدی با ارسال پیامی به شهرآرامحله، خواستار نظافت سرویس‌های بهداشتی عمومی پارک دانش شده بودند. آن‌ها در پیام خود نوشته بودند: «در ایام تابستان که حضور زائران در محله سرشور بیشتر است، نیاز است سرویس‌های بهداشتی عمومی بیشتر از حد معمول نظافت شوند».

شهرآرامحله با انتقال این پیام به رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۸، در کمتر از یک ساعت، عملیات نظافت و شست و شوی سرویس‌های بهداشتی پارک دانش انجام شد.

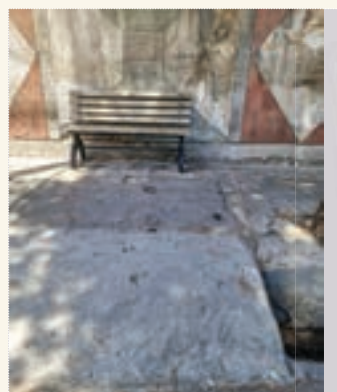
مهدی مقدم گفت: نظافت و نگهداشت بوستان‌ها و امکانات موجود در آن‌ها به صورت مستمر انجام می‌شود و در صورت اعلام هرگونه مشکل یا نیاز به رسیدگی، موضوع در کوتاه‌ترین زمان بررسی و برطرف خواهد شد.

با پیگیری شهرآرامحله و همکاری اداره فنی و عمران شهرداری منطقه ۷ انجام شد

بازگشت ایمنی به ایستگاه سلیمانی منش



بازخورد



سمیرا منشادی در تاریخ بیست و دوم اردیبهشت ۱۴۰۳ در شهرآرامحله از گلایه اهالی خیابان شهید سلیمانی منش ۷ و ۹ نوشتیم. مردم درباره جوی آب کنار ایستگاه اتوبوس و عبور سخت از روی آن اعلام نارضایتی کردند. شهروندان می‌گفتند سالمندان، کودکان و افرادی که برای سوار شدن به اتوبوس به این ایستگاه مراجعه می‌کنند، به دلیل قرارگرفتن ایستگاه در کنار جوی آب، هنگام رفت و آمد با خطر افتادن در جوی روبه‌رو هستند و خواستار پوشیده شدن روی آن شده بودند.

سرانجام با پیگیری شهرآرامحله و به همت اداره فنی و عمران شهرداری منطقه ۷، روی جوی آب مقابل ایستگاه بلوکه نصب شد تا تردد شهروندان با ایمنی بیشتری انجام شود. همچنین نصب سایه بان برای این ایستگاه از طریق اداره اتوبوس‌رانی در دست پیگیری است.